



زمینه‌های تحقیق تمدن نوین اسلامی در جامعه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

اسماعیل عارفی گوروان^۱

چکیده

مکتب اسلام همواره به دنبال تشکیل حکومت اسلامی بوده است تا زمینه‌ساز اجرای احکام الهی به طور کامل باشد. آغاز شکل‌گیری تمدن اسلامی را با ظهور اسلام باید همزمان دانست. در سده‌های آغازین اسلامی، این تمدن همواره رو به رشد و شکوفایی بوده است. اما برخی عوامل بیرونی و درونی، موجب کندی حرکت تمدن اسلامی شده است. قرن اخیر و به ویژه بروز انقلاب اسلامی ایران را می‌توان نقطه خیزش جدیدی برای تمدن اسلامی به شمار آورد. رهبران انقلاب اسلامی همواره هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی را ایجاد یک تمدن نوین اسلامی بیان کرده‌اند. تحقق این فرآیند نیازمند نظام‌سازی فکری صحیح و دقیق است. بر این اساس در پژوهش حاضر نویسنده در صدد است با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بیان زمینه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در نظام فکری مقام معظم رهبری بپردازد. سپس مراحل تکوین تمدن نوین اسلامی را از منظر ایشان بیان کند؛ سؤالی که پژوهش با آن روبه‌روست این است

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب

که بسترهای تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟ در این راستا پس از بررسی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص مفهوم تمدن اسلامی فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی شامل مرحله اول (انقلاب اسلامی)، مرحله دوم (تشکیل نظام اسلامی)، مرحله سوم (تشکیل دولت اسلامی)، مرحله چهارم (تشکیل کشور اسلامی)، مرحله پنجم (تشکیل دنیای اسلامی)، است. برای رسیدن به آنها، وظایف و انتظاراتی بر عهده مردم و کارگزاران نظام اسلامی بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، مقام معظم رهبری، دولت اسلامی، نظام اسلامی، انقلاب اسلامی، زمینه‌های شکل‌گیری جامعه اسلامی

مقدمه

وجود پیامبر(ص)، دستی پنهانی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه جهانی در جهت تأمین عدالت و شکل‌گیری مدنیت جدید اسلامی بود؛ مدنیتی که متکی بر کرامت انسان و رشد و تعالی امکانات دنیوی و مادی در خدمت امکانات و رشد معنوی انسان بود. با ظهور اسلام، بشر خود را در برابر آموزه‌هایی دید که هویت و نسبتش را با خداوند، جهان هستی، انسان‌های دیگر و نفس خویش به خوبی ترسیم کرده است. این تأثیرگذاری به حدی بود که بشر در برابر آن سر تسلیم فرود آورد و به این فرهنگ که از منابع اصیل اسلام (قرآن و سنت)، سرچشمه می‌گرفت، گردن نهاد و از آنجا که آن را با عقل و فطرت سلیم خویش هماهنگ می‌دید، با رویی گشاده پذیرای آن شد. این فرهنگ یعنی فرهنگ اسلامی که از هستی‌شناسی خاص اسلام برمی‌خاست، پیروانش را به سوی ایجاد تمدنی بزرگ کشاند که بتوانند حکایتگر چنین فرهنگ متعالی باشند. تمدن اسلامی به صورت پویا وجود داشته و امروز هم این تمدن قابل تحقق است و اساساً آرمان مهدویت شیعی این امر را نمایندگی می‌کند؛ اما این مهم به سادگی به دست نمی‌آید و ما نمی‌توانیم منتظر بمانیم که دنیای غرب و تمدن مادی خود به خود رو به افول برود، چراکه احیای تمدن اسلامی فقط با افول تمدن غربی ممکن نیست و این احیا در زمینه مدنی و اجتماعی محتاج به انقلاب است. اینجاست که ما اندیشه حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری را می‌توانیم محملی بدانیم برای ارتباط میان تمدن گذشته و تمدن آینده به وسیله یک انقلاب بزرگ اسلامی و حضور نهضت‌های قدرتمند مرتبط با آن که زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است.

تعریف مفاهیم و مبانی نظری

۱. تمدن

این یک حقیقت است که تمدن عمدتاً از زمانی پدید می‌آید که انسان مرحله زندگی بدوی را ترک گفته و شهرنشینی را آغاز می‌کند؛ اما اینکه تمدن را صرفاً شهرنشینی معنا کنیم نادرست است.^۱ همان‌طور که گفته شد اصل تمدن از مدن گرفته شده و به معنای ثابت بودن در مکان است و برخلاف نظر برخی دانشمندان که می‌گویند بشر طبعاً مدنی آفریده شده است، علل پیدایش تمدن را باید در همان احتیاجات و نیازمندی‌های مادی و معنوی بشر دانست. چرا که تمدن بشر، بر اساس و بنیان معنوی است و انسان فقط به قوای فکری و اخلاقی می‌تواند رفع احتیاج کند و هر چه به قوای فکری و اخلاقی انسانی ربط دارد پایه و اساس تمدن است.^۲

۲. تمدن و فرهنگ

واژه دیگری که با تمدن همراه است فرهنگ است که برخی گفته‌اند تمدن عام و فرهنگ خاص است و فرهنگ در جهت پیشرفت معنوی و تمدن در مسیر پیشرفت مادی است؛ اما آنچه صحیح است آن است که تمدن عبارت از اندوخته‌های مادی و معنوی انسان و هر دو ساحت مادی و معنوی، نمود فرهنگ است؛ یعنی با دگرگونی ژرف در اجزای تشکیل‌دهنده یک فرهنگ (شناخت‌ها، باورها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، کردارها و رفتارها)، نمود مادی و معنوی آن (تمدن) تغییر اساسی خواهد کرد. چنانچه در جزیره عرب با آمدن فرهنگ اسلام، تمدن اسلامی که تجلی مادی و معنوی آن فرهنگ به شمار می‌رفت بدان شکل و گستردگی ظاهر شد.^۳ پس تمدن عینی و مادی است و فرهنگ ذهنی و معنوی؛ تمدن عمل است و فرهنگ اندیشه و پدیدآورنده تمدن؛^۴ تمدن، اقامت کردن است و فرهنگ، پرورش نفس و متمدن کسی است که بتواند اجتماعی زندگی کند، تعاون داشته باشد، حکومت تشکیل دهد، امور اجتماعی خود را نهادینه و قانونمند کند و مسائلی از این دست.^۵

۳. تمدن اسلامی

تمدن و تدین منافاتی با هم ندارند. تمدن یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی و تدین یعنی جهت درست در زندگی

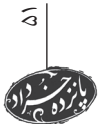
۱. محمدرضا کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۴۰-۳۳.

۲. محمدباقر حجازی، آیین راستی، بی‌جا، چاپخانه و کتابخانه مرکزی، ۱۳۱۸، ص ۴۷-۴۶.

۳. محمدرضا کاشفی، همان، ص ۳۵.

۴. علی اکبر کسماپی، قرن دیوانه بحران تمدن و فرهنگ و نادانی‌های دوران دانش، تهران، بعثت، ۱۳۵۴، ص ۱۲.

۵. علی اکبر ولایتی، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴، ص ۳۲.





داشتن، جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا؛^۱ بنابراین اول باید تمدن اسلامی را بشناسیم، تمدن بدون قید اسلامی وقتی که مطرح می شود همان طور که از ریشه اش برمی آید ممکن است شهرنشینی و شهروندی به ذهن تبادر کند و در مقابل آن توحش یا دور بودن از علم و لوازم آن وجود دارد. البته دانشمندان ولو مادی هم باشند تمدن را فقط معادل با پیشرفت فناوری و وضعیت شهرنشینی نمی دانند. از دید آنها متمدن کسی است که نمی خواهد کسی مواظبش باشد تا تعدی نکند و وحشی کسی است که باید مراقبش باشند تا به حدود و حقوق دیگران تجاوز نکند. از دید آنها، کشور متجاوز، متمدن نیست.^۲ پس از این دیدگاه، تمدن یعنی انسان به حدی برسد که خودش، خودش را کنترل کند و نخواهد مواظبش باشند. بر اساس همین معنای تمدن، ما دو تعبیر ارتجاع و ترقی داریم. تعبیر قرآن در مورد ترقی و ارتجاع زیباست: «اللّٰهُ وَلِيّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَخْرَجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»

این معنای ترقی و تمدن از دیدگاه اسلامی است؛ یعنی اگر کسی بخواهد تمدن را از دیدگاه اسلام بشناسد باید ترقی را بشناسد. در اسلام ترقی یعنی دور شدن از ظلمات و وارد شدن در نور. مصادیق ظلم و نور را از عمل اهل بیت - علیه السلام - می توان شناخت. کسی ترقی و ارتجاع را می فهمد که انسان را خوب شناخته باشد. مسئله مهم در عصر حاضر، خوب شناختن انسان است؛ همان که امام خمینی (ره) فرمود: «بدبختی دشمنان ما این است که اسلام را نشناختند، انسان را نشناختند».^۳

تمدن اسلامی در چند قرن اخیر به ویژه از قرن پنجم از یک نظام سیاسی برخوردار نبود و چشم انداز روشنی در پیش نداشت. با نهضت امام خمینی (ره) و نظام جمهوری اسلامی، وضعیت مناسب جهان امروز، ظرفیت بالای آموزه های دینی و انگیزه عمومی مسلمانان، تحقق تمدن نوین اسلامی امکان پذیر شده است و می رود تا همان پیوندهای سده های اوج خود را در ملت ها ایجاد کند. هر چند باید موانع و آفات آن شناسایی شود و البته قبل از شناسایی آفات و موانع، ابتدا مروری کوتاه بر عوامل اوج گیری تمدن ها انجام می شود؛ چه بسا که عوامل انحراف و انحطاط و افول تمدن ها را می توان از همین مؤلفه ها دریافت.^۴

۱. آرمان تمدن بزرگ اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، دفاع، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸.

۲. تمدن اسلامی در اندیشه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۹۵.

۳. همان، ص ۹۶.

۴. کلثوم رستمی، موانع و آفات درونی در تحقق تمدن نوین اسلامی (مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی)، تهران، دانشگاه شاهد، ۱۳۹۴، ص ۶۳۷.

امنیت و آرامش، همبستگی ملی، همکاری و تعاون، اخلاق، تحمل و بردباری و صبوری، حفظ وحدت و یکپارچگی و عدم انفکاک و تجزیه طلبی، دین، رفاه نسبی و فشار اقتصادی و اجتماعی از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در روند تمدن‌سازی جوامع، ایفای نقش می‌کنند و تمدن اسلامی که با دعوت پیامبر و تشکیل حکومت اسلامی آغاز شد همه این مؤلفه‌ها را دارا بود

۴. چیستی و چرایی تمدن اسلامی

منشأ بیشتر تمدن‌ها تعالیم انبیای الهی است که انسان‌ها را در جهت اتحاد و همگرایی و اندیشه‌ورزی دعوت کرده‌اند. مسیحیت و اسلام دو دینی هستند که در پرتو آنها تمدن‌های درخشانی پدید آمد و چهره تمدن بشری پس از ظهور آنها دگرگون شد. هر فرهنگ نوپدیدی نیازمند زمان است تا در جهان گسترش یابد و فرهنگ و تمدن‌های دیگر را تحت تأثیر قرار دهد. حضرت رسول (ص) که پایه‌گذار فرهنگ تمدن اسلامی بود با کتاب آسمانی خویش قرآن و قول و سیره خود

منبعی اصیل برای این فرهنگ به یادگار گذاشت. دین اسلام، پس از ظهور و گسترش نه تنها در زمینه فرهنگی موجب تحول عظیمی شد بلکه از نظر تمدن نیز منشأ الهام و خلاقیت‌های بسیاری گردید. دو تعریف اساسی از تمدن و مدنیت اسلامی وجود دارد: یکی تعریفی است که تحت تأثیر تفکر اومانستی استعداد‌های انسان را در جهت تکامل ابزار تولید و تکامل عقل ابزاری و دستاوردهای آن می‌بیند. در این تعریف جوامعی که در بعد مادی و ابزارسازی انسان را در حد متکاملی تجهیز کرده‌اند، متمدن نامیده شده‌اند. تعریف دیگر که کمتر مورد توجه است، مدنیت انسانی را ناظر بر روابط انسانی، اخلاقی و معنوی در جامعه می‌داند. از همین منظر و با همین محک میزان اوج یا رو به افول بودن یا نبودن تمدن در یک جامعه ارزیابی می‌شود و البته به وجود روابط انسانی، دینی و معنوی به عنوان تنها شاخص اکتفا نمی‌شود بلکه رشد دستاوردهای مادی در پی دستاوردهای معنوی مورد توجه قرار می‌گیرد.^۱

۵. عوامل اوج‌گیری و پیشرفت تمدن‌ها

در سوره روم تعدادی عنصر و فاکتور برای احیای تمدن‌ها معرفی شده است؛ از جمله: قانون الهی، تفکر و اندیشه، نیروی نظامی و صنعتی، کشاورزی، توحید و وحدت، ایمان به قانون و عمل صالح، ستایش نکردن و عدم پرستش هیچ انسان و هیچ عنصری غیر از الله، کار و دنبال‌روزی رفتن، دادن حقوق مستضعفین، گرفتن مالیات از توانایان، هجرت، کسب دانش و علوم از طریق مشاهده و تجربه و آزمایش، عبادت و ارتباط با آسمان، رهبر که بهترین‌شان پیامبران‌اند، تقوی، علم توأم با ایمان و شکیبایی در

۱. شکرالله خاگرد، سیرتمدن اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰، ص ۸۷.





راه رسیدن به وعده الهی؛^۱ و رهبر معظم انقلاب آنها را به عنوان شرایط دستیابی به آرمان‌های تمدن بزرگ اسلامی معرفی می‌کند که برخی عبارت‌اند از: اراده، ایمان و فداکاری برای رسیدن به اهداف اسلامی، بهره‌مندی از جهان بینی و تفکر صحیح اسلام، خودسازی، رعایت تقوا، عمل به دستورات و فرمان‌های قرآن کریم، تلاش، توکل، وحدت و همدلی و ترجیح مصالح اسلامی؛^۲ بنابراین اگر تمدن اسلامی بخواهد اوج بگیرد و از رکود نجات یابد عوامل زیر باید دست به دست هم دهند تا این تمدن تحقق یابد:

۱. عامل انسانی تمدن؛ یعنی نخبگان و شخصیت‌های فکری، علمی و سیاسی که هیچ تمدنی بدون آنها رشد نکرده؛ پس باید زمینه رشد چنین نخبگانی فراهم آید.
۲. حکومت و قدرت؛ در طول تاریخ، هیچ تمدنی بدون حکومت شکل نگرفته است.
۳. عوامل اقتصادی؛ در بالندگی و اوج‌گیری تمدن اسلامی نقش دارند. تمدن اسلامی احتیاج به کار، تلاش و کوشش مداوم و برنامه‌ریزی شده دارد.
۴. عامل روانی؛ تمدن اسلامی نیازمند به خودباوری است؛ کاری که امام امت برای این ملت کرد که آنها می‌توانند کشور را اداره کنند، می‌توانند بیافرینند و خلاق باشند.
۵. عامل فرهنگی؛ ارایه و عرضه صحیح و درست دین و مفاهیم دینی از سوی متخصصان آن نه از سوی هر کس.

۶. عامل سیاسی؛ آمادگی جامعه برای پذیرش تحول و تکامل که اگر جامعه‌ای راضی و قانع به داشته‌های خود باشد و هر حرف نو را به صرف نو بودن محکوم نماید، در چنین جامعه‌ای، تمدن اسلامی اوج نخواهد گرفت.^۳

پس امنیت و آرامش، همبستگی ملی، همکاری و تعاون، اخلاق، تحمل و بردباری و صبوری، حفظ وحدت و یکپارچگی و عدم انفکاک و تجزیه‌طلبی، دین، رفاه نسبی و فشار اقتصادی و اجتماعی از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در روند تمدن‌سازی جوامع، ایفای نقش می‌کنند و تمدن اسلامی که با دعوت پیامبر و تشکیل حکومت اسلامی آغاز شد همه این مؤلفه‌ها را دارا بود.^۴

۶. علل رکود تمدن‌ها

تمدن اسلامی با وجود محاسن و پتانسیل‌های بسیار قوی جهت پیشبرد اهداف عالی‌ه اسلامی همواره در معرض خطر و کید و مکر معاندان و دشمنان اسلام بوده است.

۱. عزت‌الله رادمش، قرآن جامعه‌شناسی اتوپیا- قرآن و عقاید اجتماعی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱، ص ۱۳۲.
 ۲. آرمان‌های تمدن بزرگ اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، همان، ص ۱۶۶.
 ۳. تمدن اسلامی در اندیشه امام خمینی، همان، ص ۹۸.
 ۴. علی‌اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه، ج ۱ و ۲، ۱۳۸۶، ص ۳۲.

واقعیت تلخی که از شش قرن پیش تاکنون تمدن اسلامی با آن روبه‌رو بوده، این است که مسلمانان با وجود همه تعالی‌ها به تدریج رو به ضعف نهادند و بدین‌سان کشور پهناور اسلامی مورد تجاوز بیگانگان قرار گرفت و با تجزیه آن، عزت و اقتدار مسلمین از میان رفت و جامعه اسلامی به انحطاط گرایید. برای رکود و انحطاط تمدن اسلامی علل متعددی بیان کرده‌اند که می‌توان به طور کلی آنها را به دو گروه علل بیرونی و درونی تقسیم کرد. از جمله عوامل بیرونی که موجب رکود تمدن اسلامی شدند، تهاجم دشمنان خارجی و بروز جنگ‌های صلیبی، حمله مغولان و پیامدهای آن و سقوط اندلس که یکی از وقایع تلخ در سیر تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و زوال حکومت مسلمانان در این ناحیه از دنیا بوده است، می‌باشد.

استعمار نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در رکود فرهنگ و تمدن اسلامی است. بی‌شک استعمارگران همواره در صدد دست‌اندازی به سرزمین‌های اسلامی بوده‌اند تا به هر طریق عظمت اسلام را متزلزل سازند. استعمارگران برای نفوذ در سرزمین‌های اسلامی و تحقق اهداف خود به فعالیت‌هایی نظیر سست کردن باورهای مسلمانان، ترویج فساد در میان مسلمانان، تخریب شخصیت‌های اصیل اسلامی و برقراری روابط آزاد اقتصادی برای زدودن استقلال از کشورهای اسلامی دست زدند.^۱ انحطاط و رکود تمدن اسلامی عوامل درونی متعددی نیز دارد که از آن جمله می‌توان به انحراف فکری و عملی مسلمانان از تعالیم اسلام، استبداد و خودکامگی حکومت‌ها در جهان اسلام، دنیاگرایی و انحطاط اخلاقی، فرقه‌گرایی که پس از رحلت رسول خدا(ص) امت اسلام چه از نظر سیاسی و چه از لحاظ فکری و عقیدتی به فرقه‌های گوناگون تقسیم شده‌اند، اشاره کرد. همچنین تحجرگرایی به معنای ایستایی و تحول‌ناپذیری در حوزه اندیشه و تفکر به عنوان عاملی بازدارنده در شکوفایی اندیشه دینی و رکود تمدن اسلامی به حساب می‌آیند.^۲

زمینه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

۱. ایمان و ایدئولوژی

با بررسی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری روشن می‌شود که ایشان داشتن ایدئولوژی و ایمان را لازمه ایجاد و رشد یک تمدن بزرگ اسلامی می‌دانند و بیان می‌دارند: هیچ ملتی که داعیه تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند

۱. زهر اسلامی فرد، تاریخ فرهنگ و تمدن/اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹، ص ۷۳.

۲. همان، ص ۸۷.





حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمی تواند تمدن سازی کند.

همه تمدن های مادی مانند کمونیسم و کاپیتالیسم نیز که در دنیا به وجود آمده اند همواره با یک ایدئولوژی وارد شدند و بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه های آن، تمدن سازی امکان ندارد. پس در درجه اول، نیاز تمدن سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدان به اسلام، پیدا کرده ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه آنچه را که مورد نیاز ماست، می توانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پر حجم و با کیفیتی انجام دهیم. این مطلب اول و نکته اول در باب تمدن سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است که سلوک عملی است.^۱

۲. عدم پیروی از فرهنگ و تمدن بیگانه

نکته دومی در اینجا وجود دارد و آن این است که ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زور گویی و تحمیل، تمدن غربی است. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول مهر و موم های متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده ایم تقلید کنیم. اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی، رفتار اجتماعی، اخلاق عمومی و فرهنگ زندگی است. باید در این بخش تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی اش هستیم و انقلاب اسلامی می خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست؛

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، www.leader.ir.

و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه با تمدن غرب است، به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد.^۱

۳. وحدت و همکاری مردم و مسئولان

ملت ایران، همچنان که بحمدالله تاکنون بوده است و بعد از این هم به فضل الهی همین گونه خواهد بود، وحدت ارزشمند و آگاهی و هوشیاری و پیوند و رابطه مستحکم خودش با مسئولان را حفظ کند و به فضل پروردگار، همواره در سطوح بالای این نظام، مسئولان شایسته‌ای به خدمت مشغول باشند، نظام مقدس جمهوری اسلامی، این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه‌های «تمدن اسلامی» را در این کشور بلکه در همه کشورهای اسلامی و جوامع اسلامی، مستحکم کند.^۲

۴. تکیه بر احکام الهی و دستورات خداوند

این چه عاملی بود که توانست این طور اقتدار اسلامی را پیش ببرد و بعد هم «تمدن اسلامی» را پایه‌گذاری کند که این تمدن اسلامی، حتی در دوران انحطاط قدرت سیاسی اسلام هم در اوج تألؤ و اقتدار باقی ماند؛ فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرار داد؛ علم را گسترش داد و فرهنگ اسلامی را رایج کرد؟ یقیناً یکی از عناصری که عامل پیشرفت اسلام بود، اعتماد به خدا و احکام الهی بود: «امن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کل تمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله» خود پیامبر و مؤمنان صدر اسلام، از اعماق دل به پیام اسلام معتقد بودند و شعارهای اسلامی، حقایق اسلامی و کافی بودن اسلام را برای نجات بشریت، حقیقتاً از بن دندان قبول داشتند. این ایمان عامل بسیار مهمی است.^۳

۵. بی میلی به دنیا و مادیات

یک عامل دیگر، لااقل در رأس این حرکت این بود که به خود-آنچه به شخص و به بهره‌مندی‌های مادی برای خود انسان برمی‌گردد-بی‌اعتنا بودند. این عامل بسیار مهمی است. این همه که ما در روایات، در نهج‌البلاغه، در کلمات نبی اکرم و ائمه (ع) و بزرگان دربار بی‌رغبتی به دنیا و به اعتنایی به مادیات دنیا برای شخص خود تأکید و توصیه داریم، به خاطر تأثیر عظیم این عامل است. البته دشمنان اسلام و مسلمانان

۱. همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۷۶/۲/۶، همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۸/۸/۱۵، همان.



کج‌فهم، گمان کردند یا وانمود کردند در اسلام گفته شده است زهد؛ یعنی دنبال دنیا به معنای مظاهر عالم وجود و مظاهر زندگی نروید در حالی که مسئله این نبود بلکه دنیای بد و دنیای مذموم و اینکه من و شما، خود و منافع مادی خودمان را هدف قرار دهیم و دنبال آن باشیم، مورد نظر بود. این آن چیزی است که بیچاره کننده و ویران کننده و اساس بدبختی هاست.^۱

۶. توجه به پیشرفت اقتصادی

گرچه اسلام و نهضت حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزو هدف‌های اسلامی است؛ لذا شما ملاحظه کنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب مانده ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از عمر آن نگذشته بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای متمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قله تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفت‌های مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام. اسلام به ما نمی گوید که معنویت را ملاحظه کنیم اما از متن زندگی جامعه انسانی غافل بمانیم. ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه تدابیر لازم را به کار ببریم که یکی از مهم ترین آنها، مسئله اقتصاد است؛ بنابراین، تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بی شک جزو هدف‌های اسلامی است.^۲

۷. ایستادگی و مقاومت

جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گران قدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی امام زمان (عج) خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ باعظمت تمدن اسلامی را برافراشته نمایند.^۳

۱. همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقتصاددانان، ۱۳۸۳/۶/۲۵، همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با ایثارگران، ۱۳۷۶/۵/۲۹، همان.

۸. سبک زندگی اسلامی

از جمله عوامل بیرونی که موجب رکود تمدن اسلامی شدند، تهاجم دشمنان خارجی و بروز جنگ‌های صلیبی، حمله مغولان و پیامدهای آن و سقوط اندلس که یکی از وقایع تلخ در سیر تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و زوال حکومت مسلمانان در این ناحیه از دنیا بوده است، می‌باشد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به توجه عمیق اسلام به مفهوم سبک و فرهنگ زندگی بیان می‌کند: «در معارف اسلامی، اصطلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود، مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد.» رهبر انقلاب اسلامی، در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع

لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف را مطرح می‌کنند؛ در واقع سبک زندگی به همه مسائلی برمی‌گردد که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند. ایشان معتقدند که اسلام، «خردورزی، اخلاق و حقوق» را مایه‌های اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات بپردازیم و گر نه پیشرفت و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. در ترسیم چگونگی شکل‌گیری سبک و شیوه زندگی نیز تأکید می‌کنند که فرهنگ زندگی در جامعه متأثر از تفسیر افراد از زندگی است و هر هدفی را که در زندگی تعیین می‌کند سبک و شیوه زندگی آنها را مشخص می‌کند. ایشان، تحقق هدف اصلی تعیین شده در هر «مکتب و نظریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی» را نیازمند اعتقاد و ایمان به آن هدف می‌دانند و معتقدند که بدون اعتقاد جدی و تلاش هیچ هدفی محقق نمی‌شود. ایشان معتقدند اگر گفتمانی در زمینه آسیب‌شناسی و چاره‌جویی مشکلات موجود در سبک و فرهنگ زندگی به وجود آید، با توجه به نشاط و استعداد جوانان، حتماً در خشندهی ملت ایران در این زمینه نیز، چشم‌جهانیان را متوجه خود خواهد کرد و تغییر و اصلاح سبک زندگی مردم به سبک زندگی اسلامی زمینه مهمی در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی در جهان به حساب می‌آید.^۲

مرحل تکوین تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

با بررسی و مطالعه دیدگاه‌های مقام معظم رهبری می‌توان دریافت که تحقق هدف‌های تمدن اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشوار است. ایشان به کرات و در

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، همان.

۲. فاطمه حسینیائی و زهرا علیپور مقدم، زمینه‌های شکل‌گیری و فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران، دانشگاه شاهد، ۱۳۹۴، ص ۶۳۵.



استعمار نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در رکود فرهنگ و تمدن اسلامی است. استعمارگران برای نفوذ در سرزمین‌های اسلامی و تحقق اهداف خود به فعالیت‌هایی نظیر سست کردن باورهای مسلمانان، ترویج فساد در میان مسلمانان، تخریب شخصیت‌های اصیل اسلامی و برقراری روابط آزاد اقتصادی برای زدودن استقلال از کشورهای اسلامی دست زدند

تبیین این مراحل پرداخته و معتقدند:

قدم اول که پرهیجان‌تر و پرسر و صداتر از همه است ایجاد انقلاب اسلامی است. قدم بعدی، ترتیب دولت اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی که نشئت گرفته از مراحل قبل است ایجاد جامعه اسلامی است بر پایه تالو نظام اسلامی، اگر این مراحل به ترتیب به وجود آیند، آن وقت برای مسلمانان جهان، الگو و اسوه می‌شویم.^۲

با توجه به تأکید فراوان مقام معظم رهبری در بیانات متعدد ایشان می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسیر تحقق تمدن اسلامی از منظر ایشان مسیری روشن و گام به گام است که هر مرحله از آن، مقدمه تحقق مرحله بعدی است. در بخش آخر مقاله نظریات کلی مقام معظم رهبری در تحقق تمدن اسلامی بر اساس مراحل یادشده فوق مورد تحلیل قرار می‌گیرد و زمینه‌های تحقق و شکل‌گیری تمدن اسلامی بیان می‌شود.

مرحله اول انقلاب اسلامی

از منظر مقام معظم رهبری اولین گام در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی ایجاد یک انقلاب حقیقی و به معنای واقعی کلمه اسلامی است که در نتیجه شناخت مردم یک جامعه از شرایط زمانشان و عدم تحمل آن شرایط است. بنابر بینش اسلامی، حرکات‌ها و تحولات اجتماعی با آگاهی‌ها و ایمان تضمین می‌شود. آنچه انسان‌ها را وارد میدان

موقعیت‌های مختلف ضمن تأکید بر اینکه هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است بر این باورند که تحقق این تمدن اسلامی نیازمند عبور از یک زنجیره منطقی است؛ «مرحله اول انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی، بعد تشکیل جامعه اسلامی است؛ این زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است.»^۱ ایشان در جای دیگر ضمن تأکید بر گذر از مراحل فوق در تحقق تمدن نوین اسلامی، به

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشگاهیان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴، همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۹/۲۱، همان.



مبارزه می‌کند و تحولات تاریخی را به وجود می‌آورد و نظام‌هایی را به نظام‌های دیگری بدل می‌کند، خشم کور طبقاتی نیست؛ مبارزه آگاهانه و روشن بینانه‌ای است که با معرفت صحیح و با ایمان کامل در میان انسان‌ها به وجود می‌آید.^۱

منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه اول است - حرکت انقلابی است؛ و الا به یک معنا انقلاب شامل همه این مراحل می‌شود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می‌کند.^۲

انقلاب اسلامی دارای مشخصه‌ها و خصوصیات است که نه تنها در باورهای عمیق اسلامی ریشه دارد، بلکه پتانسیل آن را نیز دارد که به مثابه ریشه‌ها و پیامدهای تمدن اسلامی محسوب شود از منظر ایشان این مشخصه‌ها عبارت‌اند از:

اسلام‌محوری، استقلال سیاسی، مردم‌سالاری، خودباوری علمی و اعتماد به نفس ملی، عظمت یافتن ایران در جهان، مبارزه با تهاجم فرهنگی؛ وقتی در یک کشور این پایه‌ها گذاشته شد، آنگاه این ملت می‌تواند امیدوار باشد که بر روی این پایه‌ها بنای یک تمدن عظیم و جدید را می‌توان پایه‌گذاری کند.

مهم‌ترین این خصوصیات همین ثبات و استقامت و ایستادگی است. اگر این شد انقلاب برای دیگران الگو واقع خواهد شد؛ و الا برقی‌هایی که یک‌جا بزنند و خاموش بشود خیلی نمی‌تواند الگوسازی کند، انقلاب ما این‌طور بوده است. انقلاب ما توانسته است الهام‌بخش باشد، الگوساز باشد؛ و این بر اثر ثبات و استقامت و ایستادگی بر اصول و پایه‌های اصلی است؛ که این انقلاب به وسیله امام اعلام کرد.^۳

یکی دیگر از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند «اسلامی بودن» است. پیش از انقلاب، نظام حاکم بر کشور، یک نظام اسلام‌ستیز عمقی بود. آنها با ظواهر خیلی کار نداشتند اما از لحاظ عمق، حقیقتاً دنبال زدن ریشه‌های ایمان اسلامی مردم بودند.

انقلاب آمد نقطه مقابل آنها، اسلام را محور اداره کشور قرار داد؛ محور مدیریت قرار داد؛ احکام و قوانین اسلامی، معیار و ملاک رد و قبول

۱. بیانات مقام معظم رهبری در سالگرد پیروزی انقلاب، ۱۳۶۲/۱۱/۱۲، همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۹۰، همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵، همان.



قوانین کشور و معیار عمل مجریان کشور است.^۱ ایشان همچنین بیان می‌کنند که:

ما یک دید خاصی در تحلیل و تفسیر انقلابمان داریم این تفسیر فقط مخصوص انقلاب ما نیست همه انقلاب‌های مردمی و به خصوص انقلاب‌های اسلامی است. ما دید جامعه‌شناسی مادی را از انقلاب‌ها منسوخ می‌دانیم. تفسیر انقلاب، یک تفسیر اسلامی و الهی است. ما انقلاب را یک تحول اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی می‌دانیم که به دنبال آن تحول اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه‌جانبه ابعاد انسان می‌آید.^۲

مرحله دوم نظام اسلامی

مرحله بعد در تحقق تمدن اسلامی ایجاد نظام اسلامی است. مقام معظم رهبری تحقق آن را به دنبال تمدن اسلامی ضروری دانسته و تفاوت اساسی انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های ناکام جهان را در همین اصل نظام اسلامی می‌داند. از منظر ایشان یک انقلاب زمانی به هدف حقیقی خود می‌رسد که بر مبنای اصولی متعالی باشد. ایشان در تبیین این مسئله می‌فرمایند:

حلقه بعد، نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب می‌کنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش‌های اسلامی همراه است. ما از این حلقه هم عبور کردیم.^۳

نظام اسلامی پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. شورش انقلابی و نهضت انقلابی می‌توانست انجام بگیرد، اما نظام غیر اسلامی تشکیل شود. خیلی جاها این طور شده؛ در الجزایر همین طور بود؛ اما بعد از آن که نهضت به نتیجه رسید، کسانی که اعتقادی به مبانی تفکر اسلامی نداشتند، آمدند قدرت را در دست گرفتند. اینجا هم همین کارها داشت می‌شد. داشتند حرکت می‌کردند که به اصطلاح خودشان یک جنبش کارگری و یک حرکت کارگری را بر این حرکت عمومی تقلیب کنند

۱. همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان استان کرمانشاه، همان.

و همان فرمولی که در روی کار آمدن نظام‌های سوسیالیستی در دنیا معمول است - یعنی انقلاب طبقه کارگر - تحقق بدهند و بعد هم یک چند نفر سر کار بیایند؛ منتهی امام را محاسبه نکرده بودند؛ لذا سخت ضربه خوردند. ولی نظام اسلامی تشکیل شد.^۱

مقام معظم رهبری وجود نظام اسلامی را ضروری دانسته و آن را معیار اجرا و رکن تصمیم‌گیری کشور می‌دانند و معتقدند نظام اسلامی علاوه بر شکل که همان ارکان حکومت و قانون اساسی است محتوایی نیز دارد که به معنای اسلامی شدن متن زندگی مردم است:

نظام اسلامی یعنی اینکه معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور معلوم شد چیست؛ ارکان حکومت - قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضاییه و دیگر ارکان - چیده شد و قانون اساسی آمد همه اینها را تثبیت کرد؛ لذا پایه‌گذاری‌های اصولی انجام گرفت. این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد.^۲

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به آیه‌ای از قرآن کریم، چهار شاخص «نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر» را به عنوان مترجمان و شاخص‌های شکل‌دهنده هندسه نظام اسلامی بر شمرده و افزودند: «خداوند متعال وعده داده است، هر ملتی را که دارای این شاخص‌ها باشد، نصرت دهد و از زیر سلطه قدرتمندان جائر خارج کند.» ایشان تأکید کردند: «هر یک از این شاخص‌ها دارای جنبه‌های فردی و همچنین اجتماعی هستند که در نظام‌سازی اسلامی، نقش مؤثری دارند.»^۳

مرحله سوم دولت اسلامی

سومین مرحله در تحقق تمدن نوین اسلامی، ایجاد دولت اسلامی است:

معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را با معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. این شعار، بسیار با ارزش است.^۴

مقام معظم رهبری دولت اسلامی را، مجموعه‌ای از همه کارگزاران کشور دانسته و

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، ۱۳۸۴/۶/۸، همان.

۲. همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱، همان.

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، همان.



انحطاط و رکود تمدن اسلامی عوامل درونی متعددی نیز دارد که از آن جمله می‌توان به انحراف فکری و عملی مسلمانان از تعالیم اسلام، استبداد و خودکامگی حکومت‌ها در جهان اسلام، دنیاگرایی و انحطاط اخلاقی، فرقه‌گرایی که پس از رحلت رسول خدا(ص) امت اسلام چه از نظر سیاسی و چه از لحاظ فکری و عقیدتی به فرقه‌های گوناگون تقسیم شده‌اند، اشاره کرد شامل می‌شود.^۱

آن را منحصر در قوه مجریه نمی‌دانند. «منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد، نهادها و بنیان‌های اداره کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است.» در اینجا منظور از دولت، فقط قوه مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره یک کشور را بر عهده دارند، بلکه همه کارگزاران نظام اسلامی را

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی که با همت و هوشیاری امام راحل و مردم صورت گرفت، تشکیل دولت اسلامی به عنوان زمینه‌ساز شکل‌گیری کشور اسلامی، همواره مورد نظر مسئولان نظام بوده و گام‌هایی در این راه برداشته شده است. ایشان تحقق دولت اسلامی را امری محتوایی و منوط به انطباق جهت‌گیری و عمل کارگزاران نظام با مبانی اسلام و اهداف انقلاب برمی‌شمارند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در همین زمینه، عملکرد کارگزاران را در رفتار و زندگی مردم، کاملاً تأثیرگذار دانسته و می‌افزایند:

اگر مسئولان و مدیران کشور نتوانند در رفتار و گفتار به نصاب لازم و در خور شأن جمهوری اسلامی برسند نباید مردم را ملامت کنند چرا که اگر کارگزاران نظام، حقیقتاً اسلامی شدند رفتار مردم هم، بالطبع اسلامی می‌شود و کشور نیز اسلامی خواهد شد.^۲

مقام معظم رهبری با بیان اینکه دولت یعنی مسئولان قوه مجریه، قوه قضاییه، قوه مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است، سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزش‌های اسلامی را دارند؛ اما بر این باورند که مسئولان و کارگزاران نظام باید بیشتر به سمت اسلامی شدن و مؤمنانه زندگی کردن بروند و روح زندگی علوی یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا- را در خود زنده کنند.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، همان.
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، همان.
 ۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۸/۶، همان.

از نگاه مقام معظم رهبری «تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از همان روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز و پیشرفت و عقب‌گرد داشته است؛ در جاهایی موفق و در برهه‌ای ناموفق بوده است.» ایشان همچنین معتقدند:

اینکه اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ و الا قبل از ما چند دولت جمهوری اسلامی دیگر در منطقه ما و آفریقا و جاهای دیگر وجود داشته و الان هم هست. بنابراین اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پوینده‌ای که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار مکث می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد. البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد.^۱

وظایف دولت اسلامی

دولت اسلامی جایگاه اجرایی و مدیریتی در تحقق تمدن اسلامی دارد. از منظر مقام معظم رهبری وقتی کشور اسلامی شکل می‌گیرد که دولت و دولتمردان آن اسلامی شوند. بر این اساس ایشان وظایفی را برای دولت اسلامی برمی‌شمرند که در این جا به بخشی از این وظایف اشاره می‌شود. مقام معظم رهبری گسترش علم و دانایی و آزاداندیشی را از وظایف دولت اسلامی برشمرده و در تبیین مفهوم آزاداندیشی می‌فرمایند:

باید فضایی فراهم شود که انسان‌ها واقعاً آزادانه فکر کنند تا آزادی بیان هم محقق شود زیرا آزادی بیان تابعی از آزادی فکر است و اگر فضای آزاداندیشی و آزادفکری وجود نداشته باشد آزادی بیان هم عملاً وجود نخواهد داشت.

ایشان همچنین مبارزه با فساد، تأمین عزت ملی و به تعبیر رایج غرور ملی و مبارزه عاقلانه، حرفه‌ای و شجاعانه با ابعاد مختلف نظام سلطه جهانی را از دیگر وظایف دولت می‌دانند.^۲

رهبر معظم انقلاب اسلامی خدمت‌رسانی محسوس به مردم، تحول در شیوه‌های خدمت‌رسانی و پاسخگویی را نیز از وظایف دولت دانسته و معتقدند همه اعضای هیئت دولت و مسئولان و مدیران وزارتخانه‌ها، باید هم در برابر خطاهایی که انجام

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، همان.

۲. همان.



مقام معظم رهبری: تمدن اسلامی یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است

می‌شود و هم در برابر کارهای لازمی که انجام نمی‌شود پاسخگو باشند. رهبر معظم انقلاب اسلامی کار متوازن و هماهنگ و ساده‌زیستی را بسیار مهم بر شمرده و همواره دولت را به پیگیری، استقامت در راه و تقویت ارتباط مستمر با خداوند توصیه می‌کنند.^۱

مرحله چهارم جامعه اسلامی

بعد از آن که انقلاب اسلامی انجام گرفت و نظام اسلامی تحقق یافت، در سایه اینها جامعه اسلامی هویدا می‌شود.

جامعه اسلامی یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ای عادل، برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقش‌اند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی و بالأخره جامعه‌ای بدون سکون، رکود و توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه ما.

مقام معظم رهبری در توضیح مفهوم «هدف میانه» می‌افزایند که:

مهم‌ترین مسئولیت این جامعه این است که انسان‌ها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضایی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که «ما خلقت و الانس الایعبدون» بنابراین هدف نهایی، همان عبودیت است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه اسلامی است که هدف بسیار بزرگ و بسیار والایی است، وقتی یک چنین جامعه‌ای به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد.^۲

۱. همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، همان.

مرحله پنجم تمدن اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای مبنای تمدن اسلامی را در راستای مقیاس جهانی انقلاب اسلامی تحلیل می‌نمایند:

برای این ملت، قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید یک قضیه جدی است. آن را جدی بگیرید. یک وقت در کشوری، یکی کودتا می‌کند و نظامی بر سر کار می‌آید آن نظام چند صباحی هست بعد هم می‌رود یا یکی دیگر از او تحویل می‌گیرد و همه چیز به حال اول برمی‌گردد. اما آنچه در ایران اتفاق افتاد مسئله یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی است.^۱

البته نتیجه این حرکت را جهان‌گشایی و تصرف ممالک دیگر ندانسته، که تجربه جمهوری اسلامی در چند ساله گذشته این را نشان می‌دهد. این خصلت ناشی از پیام جهانی است که در بطن انقلاب وجود دارد.^۲ مقام معظم رهبری در سخنان و دیدگاه‌های خود مفهوم «حیات طیبه» را نتیجه احیای تمدن اسلامی می‌دانند و بیان می‌کنند که:

حیات طیبه معنایش این نیست که کسانی فقط نماز بخوانند، عبادت کنند و اصلاً به فکر زندگی و مادیات نباشند؛ نه، حیات طیبه، یعنی آن ملتی که تلاش می‌کند، سازندگی می‌کند، صنعت و بازرگانی و کشاورزی را به اوج می‌رساند، قدرت علمی و تکنیکی پیدا می‌کند. پیشرفت‌های گوناگون در همه جهت به دست می‌آورد اما در همه این حالات، دل او هم با خداست و روز به روز هم با خدا آشناتر می‌شود. این هدف نظام اسلامی است.^۳

نتیجه‌گیری

بررسی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص مفهوم تمدن اسلامی نشان می‌دهد که ایشان در یک نظام فکری مشخص و بر اساس تعالیم انبیاء و اولیای الهی هدف انقلاب و نظام اسلامی را تحقق تمدن نوین اسلامی در جهان می‌دانند و برای دستیابی به این هدف جهت‌گیری و مسیر مشخصی را در نظر دارند. بررسی مجموع

۱. بیانات مقام معظم رهبری در روز ملی مبارزه با استکبار، ۱۳۷۳/۸/۱۱، همان.

۲. بتول یوسفی، پژوهشی پیرامون مبانی نظری بیداری اسلامی، تهران، نهضت نرم‌افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۹۲.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران امام رضا(ع)، ۱۳۷۰/۱/۲۹، همان.





بیانات ایشان در حوزه مورد مطالعه این مقاله بیانگر این است که ایشان تعریف مشخص و روشنی از مفهوم تمدن اسلامی و همچنین مسیر دستیابی به آن دارند و در تدوین زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی بیشترین توجه ایشان به بخش سبک زندگی در سطح جامعه است؛ و بقیه زمینه‌ها (اقتصادی، فناوری، صنعت...)، وسیله‌ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی که زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است. فرآیند و زنجیره دستیابی به این هدف متعالی را نیز در طی مسیر و مراحل می‌دانند که به طور خلاصه شامل انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و بالأخره برپایی تمدن نوین اسلامی است. ایشان معتقد است در شرایط فعلی جمهوری اسلامی، مراحل انقلاب و تشکیل نظام اسلامی پشت سر گذاشته و در مرحله تحقق جامعه اسلامی و برپایی تمدن نوین اسلامی است. همان‌طور که از مطالعه و بررسی سخنان و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری نیز مشخص می‌شود تحقق این هدف و برپایی تمدن نوین اسلامی نیازمند فراهم شدن زمینه‌هایی در مردم و مسئولان است تا ابتدا آگاهی و بصیرت لازم را در خصوص ضرورت دستیابی به این هدف پیدا کنند و سپس وظایف و مسئولیت‌های خود را در جهت تحقق آن به درستی انجام دهند. مقام معظم رهبری تأکید دارند که:

تمدن اسلامی یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است - یک حرکت تدریجی است. البته پرهیجان است؛ اما هر کس بدانند چه کار می‌کند. هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسل‌ها و قرن‌هاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد.

این بیانات در کنار دیگر تأکیدات امام خمینی و مقام معظم رهبری، اهمیت دستیابی به هدف تحقق تمدن نوین اسلامی را نشان می‌دهد و ضرورت توجه بیش از پیش به پیشرفت و توسعه در ابعاد و عرصه‌های مختلف را اثبات می‌کند. حالاً این وظیفه مسئولان کشور در ادوار مختلف است که باید به هر برنامه و سیاستی از دریچه این نگاه یعنی دریچه‌ای به سوی شکل‌گیری تمدن اسلامی بنگرند.